

دو فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال پنجم، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۹

## معرفی نسخه خطی دیوان عبدالرحیم شیروانی و بررسی ویژگی‌های سبکی

### آن<sup>۱</sup>

دکتر آیت شوکتی<sup>۲</sup>

استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران

### چکیده

عبدالرحیم متخلص به حزین، از گویندگان شیروانی دوره قاجار بود. نسخه دیوان شامل سه اثر از وی (دیوان، صفاء القلوب و هدایت‌نامه) است که به خط پسرش، میرزا اسدالله نوشته شده و در کتابخانه ملی تبریز نگهداری می‌شود که در قوالب مختلف شعری با وزن‌ها و موضوعات و انواع ادبی متنوع است که تاکنون تصحیح و به‌روزرسانی نشده و به‌صورت نسخه خطی باقی مانده است. مقاله حاضر که با هدف معرفی و بررسی ویژگی‌های سبک‌شناسی آن و بر اساس اسنادی-توصیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای بررسی و تحلیل شده، در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که بارزترین ویژگی‌های سبکی این اثر چیست؟ نگارنده ضمن معرفی نسخه و ویژگی‌های رسم‌الخطی آن، ویژگی‌های سبک‌شناسی آن را در سه سطح زبانی، فکری و ادبی بررسی کرده است. پس از بررسی و خوانش متن، یافته‌های پژوهش مبنی بر آن است که وی از انواع صنایع با مهارت تمام سود جسته و با تضمین از غزلیات حافظ و سعدی به پیروی از سبک عراقی برخاسته است.

### واژه‌های کلیدی

سبک‌شناسی، دیوان، نسخه خطی، عبدالرحیم شیروانی، تضمین.

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۱۹

۱ تاریخ وصول: ۹۸/۶/۷

۲ Ayat.shokati@iaukhoy.ac.ir

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسئله

میرزا عبدالرحیم شیروانی متخلص به حزین در شهر اردبیل متولد شد و بعد از مدتی زندگی در شماخی شروان به شیراز رفت. از زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست. *مظهر الترقی* یکی از آثار ارزشمند اوست که گویا این اثر را در قرن سیزدهم هجری در شیراز نوشته که شامل یک مقدمه، ۴ رکن و یک خاتمه است. وی در این اثر، از نظریات شش دانشمند بهره برده که پنج نفر آن‌ها با عنوان علمای خمسه (ملا جاجیم خان شاملو، ملا قراخان اوغلی قورت، ملا داش دمور قراکوزلو، ملا تنگر یوردی شاهسون و ملا یردانقولی سیل سئیر) شناخته شده‌اند و ملایوقولی نفر ششم این مجموعه است (نک: شیروانی، ۱۳۹۱: مقدمه). عبدالرحیم در این اثر، زبان ترکی را به سه گروه زبان ترکان چین و ماچین، ترکان عثمانی و ترکان ایرانی تقسیم کرده است. بخشی از این کتاب به اشعار ملا محمد فضولی، امیر علیشیر نوایی و اشعاری از خود عبدالرحیم اختصاص دارد (نک: همان). این اثر را فرهاد رحیمی در سال ۱۳۹۱، بر اساس تک‌نسخه هشتادبرگی (شامل هر صفحه ۱۲ سطری به ابعاد ۲۱×۱۴ و به خط نستعلیق) که به شماره ۶۸۶ در مرکز احیاء میراث اسلامی قم نگهداری می‌شود، تصحیح کرده است (نک: حسینی اشکوری، ۱۳۷۷).

### ۲-۱. هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش معرفی و بررسی و تحلیل ویژگی‌های سبکی نسخه در سه سطح زبانی، ادبی و فکری است.

### ۳-۱. پیشینه پژوهش

در خصوص معرفی خود عبدالرحیم شیروانی و آثار وی، تنها سند موجود، اثر *مظهر الترقی* است. اما از آنجا که پژوهش حاضر روی نسخه خطی مشتمل بر سه اثر ارزنده وی انجام گرفته و تاکنون در مورد معرفی و بررسی سبک‌شناسی این نسخه، هیچ پژوهش دانشگاهی صورت نگرفته، کاری بکر و بدیع است.

## ۴-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش و بیان نوآوری‌ها

این پژوهش به منظور معرفی و همچنین بررسی ویژگی‌های سبک‌شناسی نسخه خطی منحصر به فرد که دربرگیرنده سه اثر ارزنده از عبدالرحیم شیروانی است، برای نخستین بار مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته، لذا قابل اهمیت بوده و چنین هدفی از ضرورت‌های پژوهش است.

## ۵-۱. شیوه پژوهش

شیوه این پژوهش، اسنادی توصیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است.

## ۲. بحث و بررسی

نسخه‌ای که به نام دیوان حزین شیروانی در کتابخانه ملی تبریز نگهداری می‌شود و هدف این پژوهش است، بر اساس فهرست کتابخانه ملی تبریز، به خط نستعلیق توسط پسر وی (میرزا اسدالله)<sup>۱</sup> به سال ۱۲۰۱-۱۲۰۵ در ۱۳۶ ورق در کاغذ فرنگی در ۳۰ سطر در هر صفحه نوشته شده و جلد آن چرمی دولایه سیاه مشکی به ابعاد ۱۳×۲۰/۵ می‌باشد و هیچ نوع آرایشی ندارد. رئوس مطالب با مرکب سرخ و گاهی با شنگرف نوشته شده است. سید یونسی فصول و ابوابی برای این نسخه معین کرده که شامل غزلیات شاعر به ترتیب حروف قوافی و رباعیات و مثنوی‌های *صفاء القلوب*، *هدایت‌نامه* و *ذبیح‌نامه* می‌شود (نک: سید یونسی، ۱۳۴۸: ۵۴۵-۵۴۶)؛ درحالی‌که به نظر نگارنده، نسخه موجود مشتمل بر سه اثر از عبدالرحیم است: ۱. دیوان مشتمل بر غزلیات و رباعیات (از ص ۱-۱۶۱)؛ ۲. مثنوی *صفاء القلوب*؛ ۳. مثنوی *هدایت‌نامه* که مثنوی *ذبیح‌نامه* هم در ضمن آن وجود دارد.

این تقسیم‌بندی از آنجا ناشی می‌شود که هرکدام از این بخش‌ها شروع مشخص دارند و به واژه کتاب و تاریخ کتابت آن‌ها اشاره شده است.

عبدالرحیم در صفحه اول همین نسخه به اثر خود و اسم و تخلص خود اشاره کرده و

متذکر شده که کاتب آن، پسرش میرزا اسدالله بوده و تاریخ کتابتش را نیز قید کرده است: «دیوان میرزا عبدالرحیم شیروانی متخلص به حزین به خط پسرش میرزا اسدالله در سال ۱۲۰۱ نوشته» (شیروانی، ۴۷۴: ۱).

در صفحه اول متن، بالای صفحه با شنگرف نوشته: «غزلیات حزین شیروانی غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه و لوالدیه» (همان: ۱). بعد زیر آن بسم الله الرحمن الرحیم را با جوهر مشکی نوشته و با همان نیز اعراب‌گذاری کرده و با شنگرف نیز چند حرکتی برای تزیین استفاده کرده است. بخشی از اشعار در حاشیه نوشته شده و کمتر صفحه‌ای است که حاشیه‌نویسی نداشته باشد. اشعار حاشیه‌نویسی در سه صفحه اول به‌علت پوسیدگی و پارگی از بین رفته است.

آغاز نسخه و در واقع آغاز دیوان:

الهی مشتعل گردان ز دل سوز نهانم را      چو شمع محفل خاصان برافروزان زبانم را  
(همان: ۱)

بیت پایانی نسخه:

به غربت بال‌بسته دل‌شکسته      نه بخشد لذتی این قند و پسته  
(همان: ۲۷۱)

از صفحه ۱-۱۵۳ شامل غزلیات است که تخلص حزین را در پایان غزل‌ها آورده:  
حزین آن روز من شادم بلا شک و بلا شبه

که بینم مهربان با خویش یار مهربانم را  
(همان: ۱)

از صفحه ۱۵۴-۱۶۱ دربرگیرنده رباعیات اوست که در دو وزن سروده شده:

یارب به رخم تو باب رحمت بگشای      راهی که سوی هداست بر من بنمای  
یا توسعه صبر بده در نقت      یا زنگ غم از دل حزینم بزدا  
(همان: ۱۵۴)

مفعول، مفاعِلن، فَعولن، فَعَلن

ای آنکه تویی عالم اسرار قلوب      واضح به تو امر کائنات از بد و خوب  
پیوسته رضای حق طلب می‌دارم      از فضل عمیم خود برآور مطلوب  
(همان: ۱۵۵)

مفعول، مفاعیل، مفاعیل، فَعَل

در صفحه ۱۶۱ دیوان تمام شده و با یک صفحه فاصله، اثر خطی دیگرش با نام *صفاء القلوب* از صفحه ۱۶۳ شروع می‌شود. در صفحه ۱۶۲ که مابین *دیوان* و *صفاء القلوب* قرار دارد، طی جمله‌ای، *صفاء القلوب* را به نوه دختری‌اش (وصال شیرازی که عنوان میرزا کوچک داشت)<sup>۲</sup>، تقدیم می‌کند: «این کتاب را به شرح مبسوط در ضمن ذبیح‌نامه‌ای قلمی شده که به میرزا کوچک بخشیده‌ام» (همان: ۱۶۲).

در صفحه ۱۶۳ نیز در بالای صفحه نوشته شده: «کتاب *صفاء القلوب* من کلام حزین شیروانی غفر الله ذنوبه و لوالدیه» (همان: ۱۶۳).

همچنین در صفحه ۲۱۴ به تاریخ کتابت آن، چنین اشاره شده است: «بتاریخ ۲۶ شهر ربیع الآخر فارغ شد از کتابت کتاب *صفاء القلوب* من کلام عالیحضرت قدسی صفت فرشته خصلت مخدوم حقیقی ابوی‌ام میرزا عبدالرحیم شیروانی غفر الله له و لوالدیه» (همان: ۲۱۴). همه این شواهد دلالت بر این دارد که *صفاء القلوب* یک اثر مستقل از عبدالرحیم است. در هیچ منبعی به تاریخ تولد وی اشاره نشده اما در صفحه ۲۱۳ نسخه موجود در کتاب *صفاء القلوب* به پنجاه‌سالگی خود اشاره کرده و چون این کتاب به سال ۱۲۰۱ نوشته شده، می‌توان تاریخ ولادت وی را ۱۱۵۱ دانست.

عمر شد در پنجه پنجه کنون      از ندامت دل لبالب غرق خون  
(همان: ۲۱۳)

خود متذکر شده که کتاب *صفاء القلوب* را به‌عنوان نظیره و قرینه‌ای به نان و حلوا شیخ

بهاء‌الدین محمد عاملی نوشته: «گفتار در وجه تسمیه کتاب *صفاء القلوب* که قرینه نان و حلوای شیخ بهاء‌الدین عاملی رحمة الله علیه است

گشته بود آن نان و حلوا نیک سرد      کس نمی کردی ز سردی میل خورد  
نان و حلوای نوی بردم به بار      پس صلا بدهید اهل روزگار  
نان و حلوای من اکنون هست گرم      در مذاق جان لذیذ و گرم و نرم»  
(همان: ۱۶۶)

در صفحات ۲۱۵ و ۲۱۶، چهار مثنوی وجود دارد که در واقع مابین *صفاء القلوب* و *هدایت‌نامه* واقع شده است. عبدالرحیم در سراسر این نسخه، یک صفحه در میان از فن رکابه استفاده کرده در حالی که این دو صفحه فاقد رکابه‌اند.

مثنوی *هدایت‌نامه* از صفحه ۲۱۷ شروع شده و در اولین صفحه بالای اشعار، بسم الله الرحمن الرحیم، قید شده است. همین امر دلالت بر استقلال همین بخش دارد چون در شروع *ذبیح‌نامه* چنین چیزی مشاهده نمی‌شود و در خلال و ادامه *هدایت‌نامه* نوشته شده است؛ حال آنکه صفحه آغازین دیوان، *صفاء القلوب* و *هدایت‌نامه*، با فاصله بیشتر از لبه بالای کاغذ نسبت به صفحات دیگر شروع شده است.

تاریخ کتابت *هدایت‌نامه* نیز مشخص شده: «نوزدهم شهر ربیع الاول من شهر سنة ۱۲۰۴» (همان: ۲۷۱).

اما بعد از اتمام *هدایت‌نامه*، یک مثنوی دیگر در حاشیه همین صفحه پایانی نوشته شده که تاریخ کتابت آن نیز قید شده است: «۱۲ شهر محرم قلمی شد»<sup>۳</sup> (همان: ۲۷۱).

اشعار سروده شده در صفحه ۲۴۰ که در مدح امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> است و همچنین اشعار موجود در صفحه ۲۴۳ که در حب علی<sup>(ع)</sup> و آل او سروده شده و شعری با عنوان «ختم سخن است این مقالات» که در صفحه ۲۶۲ در ستایش و توسل به امام رضا<sup>(ع)</sup> سروده شده، نشان ارادت وی به اهل بیت و ائمه<sup>(ع)</sup> است. *ذبیح‌نامه* ای که در صفحه ۱۶۲ از آن سخن

رفته، از صفحه ۲۴۶ شروع می‌شود که در واقع داستان ذبح اسماعیل است. مناجات با خدا نیز صفحاتی از نسخه را معطر ساخته است. در صفحه ۲۶۵، ضمن شعری با عنوان «گوید سخن از وفات فرزند»، از فوت پسر ناکامش سخن می‌گوید. در این شعر به هفده سالگی پسرش اشاره کرده: «هفده سنه چون ز عمر بگذشت / فهمید و بخواند و خوب بنوشت». همچنین به نام وی: «شد نام نکوش عبد جبار» (همان: ۲۶۶) و متذکر شده که وی از پسر دیگر، عزیزتر بود:

هرچند مرا دگر پسر بود      از جان و دل آن عزیزتر بود  
(همان: ۲۶۷)

برای پسرش از خدا طلب مغفرت کرده:

هر سهو و خطا که دیده باشی      هر حرف بدش شنیده باشی  
آمرزی اش ای کریم و رحمان      ناکام مرا که بوده نادان  
از مغفرتت نظر نمایش      وز قهر و غضب دهی رهایش  
(همان: ۲۷۰)

عبدالرحیم شیروانی قدرت قلم خود را تحسین می‌کرد و معتقد بود که این کار خودنمایی محسوب نمی‌شود: «تحسین عمل نه خودنمایی است» (همان: ۲۷۰). وی اشعار خود را آمیخته با پند و اندرز می‌داند و دیگران را به بهره‌گیری از آنها فرامی‌خواند:

ظاهر اگرش چو نقل گفتم      صد پند به بطن آن نهفتم  
نیکو بنگر تو گفت و گو را      سرمشق بکن بطون او را  
گل‌های خوشی در این گلستان      از پند و نصیحت است الوان  
(همان: ۲۷۰)

در آخر، در حق کاتبش دعا کرده است: «این قطعه به کاتبش دعایی است» (همان: ۲۷۰).

تصدیع کشیده چون که کاتب      بر ما همه شد دعاش واجب  
(همان: ۲۷۰)

هر قطعه شعر به نوعی مشخص و از قطعه بعدی جدا شده است. این کار گاهی با عناوینی مثل «وله، ایضا، قاله» که با شنگرف نوشته شده‌اند، انجام شده و در مواردی نیز عنوان‌های خاصی برای اشعار انتخاب کرده از جمله صفحه ۲۰۰ و ۲۳۲ و...

## ۱-۲. ویژگی رسم الخط

### ۱-۱-۲. نوشتن «گ» به صورت «ک»

الهی مشتعل کردان ز دل سوز نهانم را (همان: ۱)

در موارد بسیار نادر درست نوشته:

در سحرگه اوج کیرد ناله شبگیر ما (همان: ۳)

کهی حزین و کهی دردمند و گه بیمار (همان: ۵)

پس آنکاهی که دفن آرند نقش خون چکانم را (همان: ۱)

### ۲-۱-۲. سرهم‌نویسی

۱-۲-۲. چسبیدن حرف اضافه «به» به کلمه بعدی

بخون دل همی شاید نویسم داستانم را      حقیقت ده بفضل خویشتن یارب گمانم را

(همان: ۱)

بذکر حق کنم گویا زبان را      که او داده بستن آرام جان را

(همان: ۲)

۲-۲-۱-۲. چسبیدن می به عنوان جزء پیشین افعال

در مواردی چسبیده و گاهی جدا نوشته است:

دست و پای میزدم در عالم دیوانگی (همان: ۳)

چند روزی پاره میگردید اگر زنجیر ما (همان: ۳)

ای شکارافکن چرا رم میدهی نخچیر ما (همان: ۳)



فیض معنی میبرد آنکس که می‌سنجد سخن (همان: ۹۵)

هر گونه کنه که کرده‌ام میدانی (همان: ۱۵۹)

۳-۲-۱-۲. چسبیدن علامت جمع «ها»

بس خرابیها رسانده غمزه فتان دلم (همان: ۳)

۴-۲-۱-۲. چسبیدن نشانه مفعولی «را»

محنت آباد جهانرا کی بود فیض نشاط (همان: ۹۵)

۵-۲-۱-۲. چسبیدن «بی»

بی را گاهی چسبیده و گاهی جدا نوشته است. نکته دیگر اینکه در صورت جدانویسی

به جای «بی»، «بی» نوشته است: بیتاب و توانم کرد پی یاری و غم‌داری (همان: ۲۶۴)

۶-۲-۱-۲. سرهم‌نویسی کلمات مرکب

چگویم کنده شد بنیاد من چون (همان: ۱۴۰)

بروز هجر تو رو داده است چها ما را (همان: ۵)

مچین زین باغ یکگل پی اجازت (همان: ۶)

بیا جانبخشم در عین خاطر (همان: ۶)

ورنه از جور رقیبان من ندارم هیچباک (همان: ۹۶)

در مدرس عقل یکورق خواند (همان: ۲۶۸)

۳-۱-۲. جدانویسی

۱-۳-۱-۲. جدا نوشتن علامت نفی فعل

نه بیند حسنت از دوران زوالی (همان: ۱۱)

نه بخشد لذتی این قند و پسته (همان: ۲۷۱)

۲-۳-۱-۲. جدانویسی کلمات مرکبی که چسبیده بودندشان معمول است:

اگرچه خود گنه کارم ببخشا از کرم یارب (همان: ۱)

مباش پی رو قول کسی که خیر نیست (همان: ۵۱)

ای شمع بزم افروز من دایم تویی دل سوز من (همان: ۷۴)

هرچه جور از وی به بینم صبر آرم احتیاط (همان: ۹۵)

در نوشتن واژه «چگونه» نیز یکسان عمل نکرده و آن را چسبیده نیز نوشته است:

بخشربعلی یاور است روز حساب دگر چگونه مرا باکی از جزا باشد

(همان: ۵۱)

چه گونه قدر سخنگوی و گوهری داند (همان: ۵۱)

۲-۱-۴. گذاشتن تشدید

چگونه عرض کنم حضرت تمنا را مگر صبا بکند حل این معمّا را

(همان: ۲)

بغیر صحت ذاتت چه اقتضا ما را (همان: ۴).

البته همیشه خود را مقید به گذاشتن تشدید نکرده بلکه در مواردی از آن صرف نظر کرده است:

نیستم یک لحظه عاری حزین از هم و غم (همان: ۳).

۲-۱-۵. نوشتن همزه

گذاشتن همزه را همیشه رعایت نکرده و مواردی بدون ضبط همزه دیده شده است:

شب فراق که مجموعه پریشانست بغیر سایه زلفش چه ایمنی ما را

(همان: ۳)

بس خرابیها رسانده غمزه فتان دلم (همان: ۳)

۲-۱-۶. نوشتن «ی» ممدوده به شکل الف برای رعایت قافیه

نماند تاب و توان ازدهای موسا را (همان: ۳)

## ۷-۱-۲. نوشتن «ت» به جای «ت»

حلاوة سخنم کر حزین شود شهره (همان: ۳)  
کاوش مژگان حواله کن دکر تعمیر ما (همان: ۳)  
ترسم او را پی جهة رنجی ز من خاطر رسد (همان: ۹۵)

## ۸-۱-۲. به جای «ای»، «ء زیرش یک خط» نوشته

نیستم یک لحظه عاری حزین از هم و غم (همان: ۳)  
محتاج نه بطاعت کس (همان: ۲۶۴)

## ۹-۱-۲. اعراب گذاری کلمات

کرده شد با حزن و انده کویا تخمیر ما (همان: ۴)  
مکن تو نیز فرامش که دعا ما را (همان: ۴)  
در یک مورد اعراب را اشتباه گذاشته:  
این وقایع چیست و چبود غرض (همان: ۱۹۹) که باید چبود نوشته می شد

## ۱۰-۱-۲. نوشتن «پی» به جای «بی»

درین سراچه پی اعتبار و سست اساس (همان: ۴)  
بسی ز مدعی پی ادب جفا باشد (همان: ۵۲)

## ۱۱-۱-۲. حذف نقطه

بصحبت تو گذشت اشتیاقم از حد و حصر (همان: ۴) (نقطه‌های ی در اشتیاق در اصل نسخه وجود ندارد.)

بمفت نرد محبت بهیچکس تو مبارز (همان: ۷۵) (نقطه‌های ی در هیچکس در اصل نسخه وجود ندارد.)

نمانده حجة ازین پس بکیما ما را (همان: ۴) (نقطه «ی» اول کیما در اصل نسخه وجود ندارد.)

## ۱۲-۱-۲. نقطه‌های اضافی

خود درین آتش فکندستم غلط (همان: ۹۵) (در اصل نسخه زیر «س» سه نقطه گذاشته)  
در سر کوی تو من این استخوان (همان: ۹۵) (در اصل نسخه زیر «س» سه نقطه گذاشته)  
زانکه از عین بلا رستم غلط (همان: ۹۵) (در اصل نسخه زیر «ت» دو نقطه رو هم گذاشته)  
یارب ز غزور جهل و از نادانی (همان: ۱۵۹)

## ۱۳-۱-۲. نوشتن الف بدون مد در ابتدای کلمه

خزانه‌دار بود انکه کرد کرد و نخورد (همان: ۵۱)  
البته این موارد بسیار نادر بوده و در اکثر موارد با مد نوشته است:  
هر آنکه داد و دهش کرده زرکری داند (همان: ۵۱)

## ۱۴-۱-۲. نوشتن «ه» غیرملفوظ قبل از نشانه‌های جمع، نسبت و مصدرساز

با آن درمانده‌گی بیچاره دیدش (همان: ۲۳۵)  
زالوده‌گی هزار عصیان (همان: ۲۶۴)  
تا هست نشان زنده‌گانیم (همان: ۲۶۴)  
۱۵-۱-۲. به جای «ئی» ی را دو بار نوشته  
جز لطف تو ملجائیی ندارم (همان: ۲۴۶)  
مجموعه لطف و خوبرویی خوش حالت و خلقت و نکوئی  
(همان: ۲۶۷)

## ۱۶-۱-۲. تبدیل مصوت کوتاه به مصوت بلند

تو از فضل و کرم مشمار آن خورد (همان: ۲۱۷) به جای خرد

## ۲-۲. بررسی ویژگی سبکی

برای بررسی ویژگی‌های سبک‌شناسی، نسخه حاضر در سه سطح زبانی، ادبی و فکری

بررسی می شود. قابل ذکر است که خود ویژگی های زبانی در دو سطح نحوی و واژه های بررسی شده است.

## ۱-۲-۲. ویژگی های زبانی

### ۱-۱-۲-۲. سطح نحوی

#### ۱-۱-۱-۲-۲. فعل های ساختگی

از صبا پرس بکن حال پریشانی ما (همان: ۷)

پیش از مرگش چه می مویی عبث (همان: ۳۴)

تا حیاتم در جهان خواهست بود (همان: ۱۹۹) به جای خواهد بود

#### ۲-۱-۱-۲-۲. کاربرد فعل های قدیم

بفقر و فاقه فکندستی این چنین ما را (همان: ۲)

### ۲-۱-۲-۲. سطح واژه ای

#### ۱-۲-۱-۲-۲. استفاده از کلمات عربی

حزین آنروز من شادم بلا شک و بلا شبهه (همان: ۱)

بلا شک یافت عمر جاودان را (همان: ۲)

میشود خواهی نخواهی الغرض تقدیر ما (همان: ۴)

از کلب آستانت آموختم وفا را (همان: ۸)

چنین که ز خیر الکلام دم زده ام (همان: ۵۲)

امشب بلا ریب و ریا مقبول اکر سازد خدا (همان: ۷۴)

بگذشت از ما مامضی کان نوجوانم میرسد (همان: ۷۴)

ای نگار دلستان من بود روحی فداک (همان: ۹۶)

بگذر از دنیا و مافیهای آن (همان: ۲۰۰)

افتاده به خاک شکر فی الحال (همان: ۲۶۱)

۲-۲-۲. سطح ادبی

۲-۲-۲-۱. حوزه بیان

۲-۲-۲-۱-۱. تشبیه

شمع‌وش تا سوختم در پیچ و تاب زنده‌گی      عاقبت پروانه جان شد کباب زنده‌گی

(همان: ۱۳۷)

ریحان خط از لب چو یاقوت (همان: ۲۶۷)

مانده رگ و پوستی چو طنبور (همان: ۲۶۸)

این جمله تن او بسان جان بود (همان: ۲۶۸)

حق دارم اگر چو شمع سوزم (همان: ۲۶۹)

چون لاله اگر ز داغ زارم (همان: ۲۶۹)

- تشبیهات بدیع و بکر

زاینده رود پرخطر از دیده‌گانم می‌رود (همان: ۷۲)

معمولاً شاعران زیادی اشک را به رود تشبیه می‌کنند ولی وی زاینده‌رود را عنوان کرده است.

- اضافه تشبیهی

علاج زهر فراقست چونکه شربت وصل (همان: ۴)

باد اجلی ز بن بکنش (همان: ۲۶۸)

سرو قد او به کام و ناکام (همان: ۲۶۸)

شمشاد قدش بخاک سر برد (همان: ۲۶۸)

این بار جفا که من کشیدم      وین زهر الم که من چشیدم

(همان: ۲۶۸)

۲-۲-۲-۱-۲. استعاره

از خون جگر ز چشم خونبار      می‌ریخت به دامنش گل نار

(همان: ۲۶۸)

سحاب رحمتش سیراب سازد بوستانم را (همان: ۱)

چو روح بخشی لعل نگار من بیند (همان: ۳)

۲-۲-۱-۲. کنایه

وز علایق جمله باید شست دست (همان: ۲۰۰) دست شستن: کنایه از ترک کردن (دهخدا)

بمفت نرد محبت بهیچکس تو مبارز (همان: ۷۵) نرد... باختن: از آن دم زدن (دهخدا)

دست و پای میزدم در عالم دیوانگی (همان: ۳) دست و پا زدن

قدر او را نهاده حلقه در گوش (همان: ۲۲۴) حلقه در گوش نهادن

پیراهن صبر را دریده (همان: ۲۶۸) پیراهن دریدن

۲-۲-۱-۳. مجاز

نشان وحدتش عالم به کلی است چه سان وصف آورم آن پی‌نشان را

(همان: ۲)

پرستند عالمی نادیده او را (همان: ۲)

درین سراچه پی اعتبار و سست اساس (همان: ۴)

۲-۲-۲-۲. حوزه بدیع

۲-۲-۲-۱. سجع

نوش، نیش (همان: ۲۶۷)

۲-۲-۲-۲. جناس

نیستم یک لحظه عاری حزین از هم و غم کرده شد با حزن و انده گویا تخمیر ما

(همان: ۴)

ای دلبر یگانه، بیگانه‌ات نیم من (همان: ۸)

قوت خواهم گر ز یاقوت لبش (همان: ۳۴)

صبر آورم دائم قضا باشد خدا از من رضا (همان: ۷۴)

از سمک بگذشته و جا کرده در گوش سماک (همان: ۹۶)

اگرچه روزی به روزگاری فتد گذاری به گلستانم

تو گر نباشی که با تو باشم نه گل بچینم نه گل ستانم

(همان: ۱۱۶)

ز غم ذلیم بسی علیم شوی دلیم تو ای خلیم (همان: ۱۱۶)

خطا، عطا (همان: ۱۵۹)

کون، عون (همان: ۱۵۹)

کریم، کرم (همان: ۱۵۹)

عارض حسن زن آمد عارضه (همان: ۲۱۶)

نگرفته ز شاهد جهان کام با حور بهشت می‌زند کام

(همان: ۲۶۹)

۲-۲-۲-۲. مراعات النظیر

هزار زخم کر از خنجر و سنان باشد (همان: ۷۵)

طیبت را چو کردی رنجه از خود مجو از دیگران دیگر دوا هیچ

(همان: ۳۵)

۲-۲-۲-۲. تضاد

ز قهر دشمنانم شاد گردان دوستانم را (همان: ۱)

علاج زهر فراقست چونکه شربت وصل (همان: ۴)

نیست امید که آباد شود تالاب کور فکر تعمیر نرفته است به ویرانی ما

(همان: ۷)

تو را چه سود از آنکه مرا زیان باشد (همان: ۷۵)



اگر تو صاحب دردی به کس مکن اظهار نکوست درد ز مردم اگر نهان باشد  
(همان: ۷۵)

۵-۲-۲-۲ اشتقاق

دوام دولت و عزت تو را بود باقی چو در زمانه بقا تا که از جهان باشد  
(همان: ۷۵)

کند ظالم هر آن ظلمی تواند (همان: ۳۵)

۶-۲-۲-۲ تکرار

تکرار، هم در سطح واژه و هم در سطح حروف اتفاق افتاده:

الغیث از شوق دیدار الغیث عشق خوبان کردم از کار الغیث  
(همان: ۳۴)

از پری رویان وفا جویی عبث رسم نابوده عبث پویی عبث  
(همان: ۳۴)

بی جان به جهان چه سان توان بود (همان: ۲۶۸) تکرار حرف «ان»

۷-۲-۲-۲ رد العجز علی الصدر

الغیث از شوق دیدار الغیث عشق خوبان کردم از کار الغیث  
(همان: ۳۴)

۸-۲-۲-۲ تشخیص

گاهی کند زاری جرس تا کاروانم می رود (همان: ۷۲)

۹-۲-۲-۲ تضمین

میرزا عبدالرحیم از شاعران دوره بازگشت است؛ دوره‌ای که عده‌ای آن را دوران فترت نامیده‌اند (نک: شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۳۷) و برخی از آن به «سیر قهقرایی» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۵۶) تعبیر کرده‌اند. علت این تعابیر عدم استقلال و اقتباس از شیوه سخنوران کهن

تواند بود. جنبش بازگشت از اواخر دوره افشاریه (نیمه دوم قرن دوازدهم) شروع شد و با توسعه در دوره زندیه، در زمان قاجاریه رونق اساسی گرفت. در دوره بازگشت، شاعران به پیروی از شاعران سبک خراسانی و عراقی پرداختند. گروهی قصیده‌سرایی دوره خراسانی و سلجوقی و عده‌ای غزل‌سرایی سبک عراقی را سرلوحه خود قرار دادند. در این دوره «غزل‌ها بیشتر سعدی‌وار است یا تلفیقی از شعر سعدی و حافظ» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۳۱۹). «در غزل‌های مزبور، مطلع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا غالب شاعران دوره بازگشت با توجه به بیت اول غزل‌های سعدی و حافظ که در عین حال تعیین‌کننده قافیه و ردیف و وزن غزل نظیره‌وار بود، به سرودن غزل پرداختند» (احمدی‌پور اناری و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۱).

نه هر که یار به غار است یاوری داند      نه هر که محکمه بنشسته داوری داند  
(شیروانی، ۱۳۷۴: ۵۱)

تضمین از:

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند      نه هر که آینه سازد، سکندری داند  
(حافظ، ۱۳۷۵: ۱۲۳)

دلا بیدار شو تا کی تو خواب غفلتی داری (شیروانی، ۱۳۷۴: ۱۳۲)

تضمین از: «بیدار شو دلا که جهان جای خواب نیست» (دهلوی، ۱۳۶۱: ۹۷).

خوش مزده دارم بر بدن روح و روانم می‌رسد      ای تن برون آی از محن کارام جانم می‌رسد  
(شیروانی، ۱۳۷۴: ۷۴)

تضمین از:

ای کاروان آهسته ران کارام جانم می‌رود      وان دل که با خود داشتم با دلستانم می‌رود  
(سعدی، ۱۳۸۵: ۶۸۵)

گاهی موارد تضمین از بیت غیر مطلع نیز به چشم می‌خورد:

کز سوز آن تا آسمان آه و فغانم می‌رود  
(شیروانی، ۴۷۴: ۷۲)

گویی که نیشی دور از او در استخوانم می‌رود  
کاشوب و فریاد از زمین بر آسمانم می‌رود  
(سعدی، ۱۳۸۵: ۶۸۵)

با دوستان مروت با دشمنان مدارا  
(شیروانی، ۴۷۴: ۹)

با دوستان مروت با دشمنان مدارا  
(حافظ، ۱۳۷۵: ۴)

حیات تازه بسی لایق است زلیخا را  
(شیروانی، ۴۷۴: ۳)

زان بدل تخم امیدی برنشان  
(همان: ۲۱۳)

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا  
إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر: ۵۳)

بگو ای بندگانم که زیاده بر خویشتن ستم روا داشته‌اید، از رحمت الهی نومید مباشید،  
چراکه خداوند همه گناهان را می‌بخشد، که او آمرزگار مهربان است.

هر دم ز هجرش آتشی در استخوانم می‌رود

تضمین از:

من مانده‌ام مهجور از او بیچاره و رنجور از او  
بازآی و بر چشم نشین ای دلستان نازنین

کان قول دیرگاه است فرموده نیک خواجه

تضمینی است از:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

۲-۲-۲-۲-۱۰. تلمیح

- تلمیح داستانی

چنین که یوسف ما داده گرمی بازار

- تلمیح به آیه قرآنی

آیة لا تقنطوا را باز خوان

۱۱-۲-۲-۲-۲. اغراق

چو روح بخشی لعل نگار من بیند      خجالت عجبی رو دهد مسیحا را

(شیروانی، ۴۷۴: ۳)

۳-۲. وزن عروضی اشعار

۱-۳-۲. انواع وزن‌ها

طبع‌آزمایی وی در انواع بحر‌ها و اوزان شعری، دلیل روشنی بر مهارت و توانایی شعری

اوست:

ای نام خوشت تنها آرام‌ده جان‌ها      ذکرت به ادب دل را بنشانده به زندان‌ها

(همان: ۱)

مفعول، مفاعیلن، مفعول، مفاعیلن

الهی مشتعل گردان به دل سوز نهانم را      چو شمع محفل خاصان برافروزان زبانم را

(همان: ۱)

مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن

کی تواند شد معارض با قضا تدبیر ما      بخت بد را گو که پوشد چشم از تقصیر ما

(همان: ۳)

فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن

ستیز و صلح نشاید چو با قضا ما را      علاج و چاره چه باشد به جز رضا ما را

(همان: ۴)

مفاعیلن، فاعلاتن، مفاعیلن، فعلن

پند نکوست بشنو ای نازنین خدا را      در حق بندگانش از حد مبر جفا را

(همان: ۸)

مستفعلن، فعولن، مستفعلن، فعولن

کردم از خون دلم پر جام را  
(همان: ۱۰)

دیدم از بس منقلب ایام را

فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن

که ای من بنده و چاکر شما را  
(همان: ۱۱)

صبا از من بگوی آن مهلقا را

مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن

حقش اجر بی حد عطا می کند  
(همان: ۷۱)

هر آن بنده ترک خطا می کند

فعولن، فعولن، فعولن، فعل

کز سوز آن تا آسمان آه و فغانم می رود  
(همان: ۷۲)

هر دم ز هجرش آتشی در استخوانم می رود

مستفعلن، مستفعلن، مستفعلن، مستفعلن

نه صبر دارم نه با قرارم غمی که دارم تو را شمارم  
(همان: ۱۰۴)

الا نگارم تو باش یارم که دل فگارم بسی نزارم

مفاعلن فع، مفاعلن فع، مفاعلن فع، مفاعلن فع

## ۲-۳-۲. ایرادات وزنی

به رغم وزنهای متنوع در اشعار وی، در صورت دقت، شواهد اندکی به دست آمده است

که نشان از ایراد وزنی و عروضی دارد از جمله:

خود امتحان و تجربه کردی چو بارها ما را  
(همان: ۴)

ز آستان تو پا کی کشم اگر بکشی

وزن شعر مفاعلن، فعلاتن، مفاعلن، فعلن است در حالی که مصرع دوم، بین مفاعلن

فعلاتن اول، دو متحرک و یک ساکن اضافه دارد.

از غمت من سینه دارم چاک چاک      بی سخن بی لطفی ات می سازدم آخر هلاک  
می کشد آخر مرا نامهربانی های آن      ورنه از جور رفیقان من ندارم هیچ باک  
(همان: ۹۶)

کل شعر در وزن فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن است درحالی که مصرع اول بر وزن فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن می باشد.

به درگه تو بمالم هزار بار روی امید      که مرحمت کنی از فضل خود عطا ما را  
(همان: ۵)

واژه «بار»، اضافه است.

یارب نظری به وی گماری      حاجات آن دو کون آن بر آری  
(همان: ۲۷۱)

«آن» بعد از «حاجات»، اضافه است.

### ۳-۲-۲. سطح فکری

دیوان وی که غزلیات عاشقانه وی را در بر می گیرد، با مناجات حق شروع شده و مملو از نکات و ظرایف عاشقانه است، اما در اثر دومش (صفاء القلوب) ارادت وی به ائمه<sup>(ع)</sup> و پیامبر<sup>(ص)</sup> در مدیحه‌هایی که به مولا امیرالمؤمنین و امام رضا<sup>(ع)</sup> نوشته، آشکار است. این اثر بیشتر حال و هوای عارفانه دارد و حتی نام بخش‌های آن نیز (هدایت‌نامه و ذبیح‌نامه) گواه بر مدعاست. گفتنی است که ذبیح‌نامه شرح مفصل داستان حضرت ابراهیم و پسرش اسماعیل است.

### ۳. نتیجه‌گیری

خوانش و بررسی نسخه حاضر که مشتمل بر سه اثر ارزنده عبدالرحیم شیروانی است، نشان داد که ساختار عرفانی این نسخه قابل تأمل است و از بُعد غنایی، عرفانی و ادبی درخور پژوهش است. از ویژگی‌های بارز رسم الخط این نسخه، عدم پابندی آن به یک اصل واحد نگارشی و نوشتاری است که در جای جای این نسخه نمود دارد. طبع آزمایی در انواع قوالب

و اوزان شعری، دلیل محکمی بر مهارت عبدالرحیم است هرچند که موارد بسیار نادری، ایرادات وزنی نیز مشاهده شد. عشق، عرفان، مدح امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> و امام رضا<sup>(ع)</sup> و پرداختن به داستان مأموریت حضرت ابراهیم در ذبح پسرش و... از موضوعاتی است که در تورق نسخه، جلب توجه می‌کند.

عبدالرحیم از شاعران دوره بازگشت است. در آن دوره، شاعران یا از شیوه قصیده‌پردازان سبک خراسانی تقلید می‌کردند و یا به پیروی از غزل‌سرایان سبک عراقی شعر می‌سرودند. در غزلیات وی رد پای تضمین از غزلیات حافظ و سعدی مشهود است. استفاده ماهرانه از انواع صنایع بدیع لفظی و معنوی نیز وی را به شاعران سبک عراقی نزدیک کرده است.



صفحه آخر



صفحه نخست

### پی‌نوشت‌ها

۱. میرزا اسدالله از خوش‌نویسان و نستعلیق‌نویسان زبردست سده سیزدهم هجری در دوره فتحعلی شاه، محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار بوده است. از آثار نفیس کتابت شده توسط ایشان عبارت‌اند از:

- نوش آفرین گوهرتاج در ۱۱ ذی‌حجه سال ۱۱۹۹ق مطابق با ۱۱۶۳ش که مجموعه داستان عاشقانه به نثر است و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. نسخه‌ای است به خط نستعلیق که آغاز آن افتادگی دارد و دارای نه تصویر زیبا و رنگ آمیزی شده است. صفحات مجدول به قلم لاجوردی، سیاه، آب طلا و سنگرف است (حائری، ۱۳۷۸: ج ۱، ۱۵۶۳).

- کلیات سعدی شیرازی به خط نستعلیق با جلد تیماج سبز عطف تیماج قهوه‌ای و عناوین سنگرف، صفحه‌ها مجدول به زر و مشکی و اشعار در متن و حاشیه نوشته شده است و دارای هفت سرلوح رنگین بوده و در چند جا مهر مربع «علی رضا بن محمد جعفر» و «هو المغنی» و مهر بیضوی «عبدالراجی علی الرضا» مشاهده می‌شود.

۲. در تاریخ ولادت میرزا محمد شفیق وصال شیرازی ملقب به میرزا کوچک که از بزرگ‌ترین شعرای اوایل دوره قاجار است، اختلاف وجود دارد. به نقل از انواری، وی در سال ۱۱۹۲ یا ۱۱۹۳ در شیراز به هستی گان نهاده (نک: درگاهی و همکاران، ۱۳۷۸: ۴۲) اما در مقدمه‌ای که محمود طاووسی بر گلشن وصال نوشته، ۱۱۹۷ قید شده است (نک: وصال شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۷). مادرش دختر میرزا عبدالرحیم شاعر شیروانی بود. وصال پس از درگذشت پدر تحت سرپرستی پدر بزرگ مادری خویش میرزا عبدالرحیم قرار گرفت و پس از او دایی وی که با کتابت قرآن روزگار خویش را می‌گذراند، سرپرستی او را عهده‌دار شد (نک: داور، ۱۳۷۱: ۶۸۹). «کتاب‌هایی به حسن خط با خطوط مختلف نگاشته، از شمار بیرون است» (وصال شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۹). نمونه‌هایی از خط نسخ و ثلث وی در کتاب کلک مسیحا (آثار خوشنویسان بزرگ ایران) موجود است (نک: کلک مسیحا، ۱۳۸۶: ۱۳۸-۱۴۴).

۳. ۱۲۰۵ق.



## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. احمدی پور اناری، زهره و همکاران (۱۳۸۹)، «بررسی مطلع در غزل‌های نظیره وار دوره بازگشت»، مجله پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، شماره ۳، ۴۱-۶۲.
۳. حائری، عبدالحسین (۱۳۷۸)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۵۹۵، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۴. حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۵)، دیوان حافظ شیرازی، بر اساس نسخه علامه محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: فارابی.
۵. حسینی اشکوری، احمد (۱۳۷۷)، فهرست نسخه‌های خطی، قم: مرکز احیاء میراث اسلامی.
۶. داور، مفید (۱۳۷۱)، تذکره مرآة الفصاحه (تذکره شاعران فارسی)، شیراز: نوید.
۷. درگاهی، حسین و همکاران (۱۳۷۸)، شورش در خلق عالم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۱)، لغت‌نامه فارسی، تهران: دانشگاه تهران.
۹. دهلوی، امیرخسرو (۱۳۶۱)، دیوان، تصحیح سعید نفیسی، تهران: جاویدان.
۱۰. سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵)، کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: هرمس.
۱۱. سید یونسی، میر ودود (۱۳۴۸)، فهرست کتابخانه ملی تبریز، تبریز: انتشارات کتابخانه ملی تبریز.
۱۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸)، ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما، ترجمه حجت‌الله اصیل، تهران: نی.

۱۳. شمیسا، سیروس (۱۳۸۰)، *سبک‌شناسی شعر*، تهران: فردوس.
۱۴. — (۱۳۸۱)، *سبک‌شناسی نثر*، تهران: میترا.
۱۵. شیروانی، عبدالرحیم (۴۷۴)، *دیوان*، نسخه خطی: تبریز: کتابخانه ملی.
۱۶. — (۱۳۹۱)، *مظهر التركي*، تصحیح فرهاد رحیمی، تهران: اندیشه نو.
۱۷. *کلک مسیحا*، آثار خوشنویسان بزرگ ایران قرن ۱۰-۱۴ (۱۳۸۶)، به کوشش مجمع ذخایر اسلامی، تهران: اسراء.
۱۸. وصال شیرازی، علی (۱۳۸۶)، *تذکره گلشن وصال*، تنظیم و تصحیح محمود طاووسی، شیراز: نوید.